



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۱۷ مهر ۱۴۰۳

مصادف با: ۴ ربیع الثانی ۱۴۴۶

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره مثلث یا قیمت پول -

یادآوری یک نکته - دیدگاه‌های سه گانه در قائلین به مثلث پول - تفاوت دسته اول و دوم - دیدگاه سوم -

ادله دیدگاه سوم - دلیل اول، دوم، سوم و چهارم

جلسه: ۵

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مقدمات مربوط به کاهش ارزش پول و اثر آن در احکام شرعی در ابواب مختلف فقهی بود. یکی از مهم‌ترین مباحث مقدماتی، موضوع شناسی است. در رابطه با پول به عنوان مهم‌ترین موضوع این بحث، جهاتی مختلفی می‌بایست مورد بررسی قرار بگیرد. یعنی پول از ابعاد مختلف باید شناخته شود. تا اینجا ما به چند بُعد پرداختیم؛ سیر تطور پول، تعریف پول، تحلیل ماهیت پول، حقیقت پول و نهایتاً اینکه پول آیا مثلی است یا قیمی. گفتیم پنج دیدگاه در این رابطه وجود دارد؛ دو دیدگاه را مورد بررسی قرار دادیم. یکی اینکه پول هم مثلی باشد هم قیمی، و دیگر اینکه پول نه مثلی باشد نه قیمی. ما در هر دو ادعا خدشه کردیم و این دو نظر را کنار گذاشتیم؛ چند نظریه دیگر باقی مانده که ان شاء الله اینها را بررسی می‌کنیم.

یادآوری یک نکته

همانطور که مستحضر هستید، برای اینکه به درستی معلوم شود پول مثلی است یا قیمی، باید مبنا و موضع ما درباره ماهیت پول معلوم است؛ به عبارت دیگر مثلی بودن یا قیمی بودن پول، تابع مهمی از نگاه ما به حقیقت پول است. چون در باب حقیقت پول اگر به خاطر داشته باشید گفتیم دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

۱. یکی اینکه پول عبارت از ارزش ظاهری و اسمی آن است، همان که روی اوراق و اسکناس می‌نویسند؛ یعنی آن اسکناسی که با یک رنگ خاص و عدد خاص منتشر می‌شود، پول همین ارزش اسمی است.

۲. دیدگاه دوم این بود که حقیقت پول همان قدرت خرید است؛ در مورد پول‌های اعتباری به خصوص این مسئله مطرح است. دیدگاه‌های فرعی‌تر دیگری هم هست که ما وارد آنها نمی‌شویم. این مسئله تأثیر مهمی دارد در این بحث‌ها که پول مثلی است یا قیمی؛ ما درباره پول‌های اعتباری بحث می‌کنیم؛ همین پول‌هایی که امروزه به عنوان ابزار برای مبادله است. اسکناس هم یک قسمی از این پول‌های اعتباری در این دوران است.

به هر حال در مورد پول، عمدتاً دو دیدگاه از حیث مثلی بودن و قیمی بودن باقی مانده و بقیه را بحث کرده‌ایم. اینکه پول نه مثلی باشد نه قیمی، این کنار رفت؛ اینکه پول هم قیمی باشد هم قیمی، این هم کنار رفت؛ این نظر باقی می‌ماند که پول یا مثلی باشد یا قیمی. البته تفصیل هم در واقع وجود دارد که در برخی شرایط مثلی و در بعضی شرایط قیمی؛ ولی آن هم بالاخره از این دو حال خارج نیست، یا مثلی است یا قیمی، منتها تابع موقعیت‌های متفاوت است.

دیدگاه‌های سه گانه در قائلین به مثلث پول

کسانی که می‌گویند پول مثلی است، خودشان سه دسته هستند:

دسته اول: یک عده می‌گویند پول مثلی است لکن مقوم مثلثیت، ارزش اسمی آن است. شاید مشهور فقها الان همین را می‌گویند که پول مثلی است لکن مثلثیت آن در ارزش اسمی است. یعنی مثلاً این اسکناسی که روی آن نوشته شده هزار تومان، مثل آن که یک اسکناس هزار تومانی دیگر با همان عدد و رقم و با همان ارزش اسمی است. پس پول مثلی است، لکن مثلثیت آن در ارزش اسمی است.

دسته دوم: یک عده معتقدند پول مثلی است (این نظر، همان نظر شهید صدر و برخی از شاگردان ایشان یا برخی دیگر از حوزه قم است)؛ ولی مثلثیت آن در قدرت خرید است. به عبارت دیگر قدرت خرید مقوم مثلثیت پول اعتباری است. دسته سوم: برخی هم قائلند پول مثلی است ولی مثلثیت در ارزش اسمی و قدرت خرید است؛ البته این یک نظریه‌ای است که طرفداران اندکی دارد که می‌گویند پول مثلی است، اما هم ارزش اسمی و هم قدرت خرید، مقوم مثلثیت پول هستند؛ هر دو با هم در مثلثیت دخیل هستند. اگر ما دیدگاه سوم را هم در نظر بگیریم، در مجموع می‌شود شش دیدگاه؛ اما چون شاید کسی خیلی به آن ملتزم نیست، جزء دیدگاه‌ها ذکر نشد.

تفاوت دسته اول و دوم

عمده این است که ما ببینیم پول اگر مثلی باشد، قدرت خرید در مثلثیت آن دخالت دارد یا ارزش اسمی. فرق این دو هم معلوم است؛ اگر ما گفتیم پول یک مال مثلی است و قدرت خرید مقوم مثلثیت است، این معنایش آن است که شما وقتی می‌خواهید مثل پولی که از دیگری اخذ کرده‌اید را به او بدهید، باید آن قدرت خرید را لحاظ کنید و به او بدهید. اگر مثلاً یک پولی پنج سال پیش قدرت خریدش فلان مقدار کالا بود، امروز هم شما باید قدرت خرید آن مقدار کالا را به او برگردانید. قبلاً اگر دویست هزار تومان گرفته بودید و با آن دویست هزار تومان یک معدلی از کالاها را می‌توانستید بخرید، حالا ما یک کالای خاص را نمی‌گوییم؛ چون کالاها از نظر افزایش و بالا رفتن قیمت متفاوت‌اند؛ قیمت یک کالایی ۲۰ درصد بالا و قیمت کالای دیگر ۵۰ درصد و دیگری ۱۰۰ درصد و یکی هم بیشتر. یک معیاری برای سنجش قدرت خرید وجود دارد؛ طبق این نظر شما وقتی می‌خواهید این پول را برگردانید، قهراً باید همان قدرت خرید را به او برگردانید. پس پول مثلی است، اما قدرت خرید مقوم مثلثیت پول است. این همان نظری است که مرحوم شهید صدر مطرح کرده است. البته بعضی‌ها در اینجا گفته‌اند پول‌های اعتباری مثلی هستند اما قدرت خرید به ضمیمه ارزش اسمی با هم لحاظ می‌شود؛ یعنی ما باید این دو را با هم در نظر بگیریم؛ هم آن عددی که روی آن نوشته و هم آن توانایی خرید. حالا اینکه چطور این دو با هم مقوم مثلثیت هستند، این ابهام دارد؛ ممکن است منظورشان این باشد که در یک شرایطی ما باید قدرت خرید را در نظر بگیریم، در یک شرایطی ارزش اسمی. مثلاً جایی که تفاوت کم یا ناچیز باشد یا اصلاً تفاوتی نباشد، باید ارزش اسمی را در نظر بگیریم؛ آنجایی که تفاوت زیاد و فاحش شده، باید قدرت خرید را در نظر بگیریم.

به هر حال کسانی که معتقدند پول مال مثلی است اما ارزش اسمی مقوم مثلثیت است، قهراً بر این باور هستند که اگر شما ۳۰ سال پیش یک اسکناس هزار تومانی از کسی گرفتید، الان هم همان اسکناس هزار تومانی را باید به او بدهید؛ چون این مثل آن است. این هزار تومانی مثل آن هزار تومانی است؛ از همه جهت مثل آن است و یک مصداق دیگری از پول است. آن پول را شما گرفته‌اید و حالا باید مثل آن را برگردانید.

بنابراین خیلی فرق می‌کند که ما پول را مثلی بدانیم و قدرت خرید را مقوم مثلثیت برشماریم، یا ارزش اسمی را مقوم مثلثیت بدانیم. هر دو می‌گویند مثلی است اما این کجا و آن کجا. به هر حال ما باید این دو دیدگاه را به همراه ادله آنها بررسی کنیم.

دیدگاه سوم

کسانی که معتقدند پول یک مال مثلی است و ارزش اسمی مقوم مثلث است، به چند دلیل تمسک کرده‌اند. این ادله را دقت بفرمایید؛ ما باید ببینیم این ادله می‌تواند اثبات کند مدعای آنها را یا نه.

ادله دیدگاه سوم

برخی از این ادله جنبه ایجابی دارند و برخی جنبه سلبی. منظور از جنبه ایجابی، یعنی آن ادله‌ای که اثبات می‌کند مقوم مثلث پول همان ارزش اسمی است. اما آن دلایلی که جنبه سلبی دارند، در حقیقت در صدد نفی این مدعا هستند که قدرت خرید مقوم مثلث پول است. پس یک دسته از ادله اثبات یک دسته سلب است؛ دلایل اثباتی فقط می‌خواهد بگوید این ارزش اسمی است که باعث می‌شود این پول مثل آن باشد؛ مثلث در ارزش اسمی است. یک سری دلایل هم برای نفی قوام مثلث به قدرت خرید است. پس کأن دو دسته ادله دارند.

دلیل اول

اگر به تعریف پول نگاه کنید، این تعریف اقتضا می‌کند که ارزش اسمی لحاظ شود و ملاک باشد نه قدرت خرید. در تعریف پول قبلاً گفته شده که پول عبارت است از ارزش مبادله‌ای اشیاء که ارزش مصرفی آن هم در همین ارزش مبادله‌ای است. ما اگر به سیر تطورات پول نگاه کنیم، از وقتی که پول وارد عرصه شد به چه عنوان به آن نگاه شد؟ اصلاً وقتی می‌خواهند پول را تعریف کنند، چه می‌گویند؟ پول یک ابزاری است برای مبادله و یک طریقی است برای مبادله. یعنی یک ارزشی دارد که تنها با آن مبادله صورت می‌گیرد. در گذشته حتی زمانی که کالا پول بود یا فلزات قیمتی مثل طلا و نقره به عنوان پول مورد استفاده قرار می‌گرفت، آن کالاها و آن فلزات، دو ارزش داشتند؛ یک ارزش مصرفی و یک ارزش مبادله‌ای. یک ارزشی که برای خود آن شیء قائل هستند و یک ارزشی که با آن مبادله صورت می‌گیرد. اصلاً پول به خاطر ارزش مبادله‌ای وارد زندگی مردم شد؛ حتی آنهایی هم که ارزش مصرفی داشت، دیگر ارزش مصرفی آن مورد توجه نبود. آن ارزش مبادله‌ای غلبه کرد و مقصود واقع شد. اگر ما پول را اینطور تعریف کردیم و آن را به واسطه ارزش مبادله‌ای آن شناختیم، دیگر مقدار آن مهم نیست؛ اصل ارزش مبادله‌ای آن مهم است. بر این اساس ارزش مبادله‌ای پول اعتباری هر چقدر باشد، مثل آن هم چیزی است که دارای همین ارزش مبادله‌ای باشد. این یک دلیل که با اتکاء به تعریف پول می‌خواهند اثبات کنند که مثلث در ارزش اسمی است و لا غیر.

دلیل دوم

اگر تعریف مثلی را در نظر بگیرید، خود تعریف مثلی اقتضا می‌کند که مثلث در ارزش مبادله‌ای باشد نه غیر آن. مثلی یعنی آن چیزی که دارای مصادیق یکسان و متساوی است و رغبت عقلاً به همه افراد آن یکسان است؛ فرض هم این است که همه سالم هستند و هیچ مشکلی ندارند. مثلاً دو شیء که محصول یک کارخانه است و همه به یک شکل ساخته شده، اینها هر دو مصداق آن حقیقت هستند. رغبت هم به این دو یکسان است. از صد عدد ظرف یا ماشین یا کالایی که عین هم در کارخانه تولید شده، این را به شما بدهند یا آن را بدهند، فرقی ندارد. این تعریف مثلی است؛ این تعریف بر خود این پول‌ها که با ارزش مبادله‌ای شناخته می‌شوند منطبق است. این اسکناس هزار تومانی عین آن اسکناس هزار تومانی است. پس دلیل دوم این است که اقتضای تعریف مثلی این است که ملاک در مثلث پول اعتباری همان ارزش مبادله‌ای است و نه چیز دیگر.

دلیل سوم

اگر در کارکردهای پول دقت کنیم، بر این ادعا منطبق است. پول سه کارکرد دارد که ما قبلاً اینها را گفته‌ایم؛ یکی اینکه وسیله مبادله است، دوم اینکه معیار سنجش ارزش است و سوم اینکه وسیله ذخیره ارزش است. شما یک اسکناس صد هزار تومانی

را در نظر بگیرید، این یک کارش این است که وسیله مبادله است؛ دوم اینکه معیار سنجش ارزش است، یعنی شما با آن ارزش گذاری می کنید؛ سوم اینکه یک وسیله ای برای ذخیره ارزش است. در این کارکردهای سه گانه، هیچ کجا سخن از مقدار و میزان ذخیره ارزش مطرح نیست. اینکه این صد هزار تومان مثلاً به اندازه یک کیلو گوشت ذخیره می کند یا به اندازه دو کیلو گوشت، کاری به این ندارد؛ اصل ذخیره ارزش مهم است و نه مقدار آن. پس اگر کارکردهای پول را ملاحظه کنیم، اینها اقتضا می کند پول مثلی باشد و ارزش اسمی آن مقوم مثلثیت پول باشد.

دلیل چهارم

ما قبلاً در بحث از اقسام پول گفتیم پول بر دو قسم است: پول حقیقی و پول اعتباری. پول حقیقی یک پولی است که صرفاً وابسته به اعتبار نیست؛ خودش یک ارزش ذاتی و ارزش مصرفی دارد، آن وقت یک ارزش دیگری هم به آن اعطا می شود. در پول حقیقی یک اعتبار است، اما در پول اعتباری دو اعتبار داریم؛ اصلاً ارزش مصرفی ندارد؛ شما با این کاغذها هیچ کاری نمی توانید بکنید. تمام آن همین ارزش مبادله ای آن است.

با آنکه بین پول حقیقی و پول اعتباری تفاوت است، اما از این جهت که هر دو پول هستند هیچ فرقی نمی کند. از آنجا که پول حقیقی مثلی است، این پول هم مثلی خواهد بود. پول حقیقی با قطع نظر از پول بودن، درهم و دینار با قطع نظر از ضرب و علامتی که روی آن می گذارند، خودش طلا و نقره است و دارای ارزش مصرفی است؛ یعنی کأن یک کالا است. در پول حقیقی فقط همان ارزش اسمی ملاک بوده و نه چیز دیگری؛ لذا اگر مثلاً کسی پنج سال قبل یک درهم می گرفت و بعد که می خواست آن را ادا کند باید همان یک درهم را می داد؛ حالا ممکن بود قیمت طلا بالا و پایین رفته باشد. هیچ کسی در مورد پول های حقیقی نگفته که مثلثیت آنها غیر از ارزش اسمی است. یک درهم، هزار درهم، صد هزار درهم، اگر ده سال بعد هم بخواهد ادا شود همان صد هزار درهم است. بالا و پایین رفتن قیمت طلا یا نقره هیچ اثری در این ندارد که بالاخره مثلثیت پول حقیقی هم به ارزش اسمی است. در پول های اعتباری هم همینطور است؛ چه فرقی می کند؟ هر دو پول هستند؛ در پول های اعتباری هم کسی ده سال پیش صد هزار تومان گرفته، امروز هم مثل آن را ... شما الان اگر صد هزار تومان بگیرید یا از بین ببرید و تلف کنید، یک صد هزار تومانی دیگر باید به او بدهید؛ ارزش اسمی در مثلثیت دخالت دارد.

تا اینجا تقریباً این چهار دلیلی که گفتیم، همان جنبه ایجابی را بیان می کرد و دلایل ایجابی بود؛ یعنی دلایلی که در صدد اثبات این مدعا هستند که مثلثیت پول اعتباری در ارزش اسمی آن است؛ یعنی همان عدد و رقمی که روی اسکناس می نویسند، همان عدد و رقمی که در پیامک برای شما می آید، شما از زید صد هزار تومان قرض گرفته اید و باید مثل آن را باید به او بدهید؛ مثل آن چیست؟ یک صد هزار تومان دیگر. چون همه چیز دایر مدار ارزش اسمی است.

بحث جلسه آینده

سه چهار دلیل دیگر برای این مسئله اقامه شده که مثلثیت پول اعتباری تنها در ارزش اسمی است و نه قدرت خرید؛ منتها این سه چهار دلیل سلبی است؛ یعنی دخالت قدرت خرید را در مثلثیت پول اعتباری نفی می کند. این را هم باید عرض کنیم و بعد بررسی کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»